

پیش بینی گرایش نوجوانان به اعتیاد براساس ویژگی های شخصیتی و شیوه های فرزندپروری به منظورارایه ی مدلی برای پیشگیری

حمزه گنجی^۱، مریم رهنمای نمین^۲

و حسن پاشا شریفی^۳

دوره ی نوجوانی، دوره ی مهمی است که با فرایند شکل گیری هویت همراه است. قسمتی از این فرایند رشدی، خطر جویی است که به شکل رفتارهای جنسی ناسالم، مصرف الکل، سیگار و سایر مواد نشان داده می شود. ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزندپروری در دوران حساس نوجوانی می تواند زمینه را برای گرایش به اعتیاد فراهم کند. هدف این پژوهش، ارایه ی مدلی برای پیش بینی گرایش نوجوانان به اعتیاد براساس ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزند پروری بود. بدین منظور طی یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، ۵۰۰ نفر از دانش آموزان دبیرستان های دخترانه و پسرانه ی شهر قزوین به صورت تصادفی انتخاب و از نظر نگرش به اعتیاد، پنج عامل بزرگ شخصیت و سبک های فرزندپروری مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بین روان رنجورخویی، بازبودن به تجربه، وجدانی بودن و سبک های فرزندپروری (سهل گیر، مستبد و مقتدر) با نگرش به اعتیاد کلی دانش آموزان رابطه ی معنادار وجود دارد. طبق مدل به دست آمده، با افزایش نمره ی افراد در این متغیرها، شانس مثبت شدن نگرش به مصرف مواد افزایش خواهد یافت. به نظر می رسد که ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزندپروری بانگرش به اعتیاد در دانش آموزان دختر و پسر رابطه ی معناداری دارند و می توانند در پیشگیری از گرایش به اعتیاد موثر باشند.

واژه های کلیدی: ویژگی های شخصیتی، سبک های فرزندپروری، نگرش به اعتیاد.

مقدمه

رفتارهای پرخطر نوجوانان یکی از مهم ترین مسایل بهداشتی و اجتماعی جوامع کنونی است که بر فرد، خانواده و جامعه تاثیر می گذارد. این رفتارها شامل رفتارهایی هستند که زندگی دیگران را مختل کرده و ممکن است به اشخاص و یا اموال آنان آسیب برسانند مانند تخطی از قانون، نظیر تخریب

۱. دپارتمان روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران

۲. دپارتمان روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران maryamrahnamay@ymail.com

۳. دپارتمان روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران

اموال، سرقت، خشونت یا استفاده از سیگار، الکل، مصرف مواد، فرار از مدرسه، آتش افروزی، تجاوز به عنف. درک خطرپذیری نوجوان به عنوان اقتضای قابل انتظار این دوره سنی و نه به عنوان رفتاری انحرافی و مجرمانه، امکان شناخت و پیشگیری از بروز جرم را در نوجوانان واقع بینانه تر و عملی تر می سازد.

بررسی های همه گیرشناسی حاکی از این است که مصرف سیگار، مشروبات الکلی و سایر مواد در بین نوجوانان جوامع مختلف، در دهه های اخیر افزایش چشمگیری داشته است (جانستون، اومالی و فرنس، لوتیان و کیپ بچمن، ۲۰۰۸) افزایش گرایش نوجوانان به مصرف الکل، سیگار و سایر مواد بسیار نگران کننده است زیرا، اکثر نوجوانانی که مصرف مواد را در سال های اولیه نوجوانی آغاز می کنند، به مصرف این ماده در سال های آینده نیز ادامه می دهند و میزان مصرف مواد و همچنین مشکلات مرتبط با آن نیز افزایش می یابد (ماک و پاندینا، ۲۰۰۹؛ اسوادی، ۱۹۹۹). سارافینو (۲۰۰۲)، جونگ وایت (۲۰۰۷)، خلعتبری و صدافتی (۲۰۰۹) نشان داده اند افرادی که از نظر شخصیتی دچار عواطف منفی نسبت به خود و دنیای اطراف خود هستند، از یک حقارت درونی رنج می برند و دارای سیستم بازدارنده ای هستند که مانع از بروز روابط بین فردی می شود و در صورت داشتن دوستان ناباب و برای جبران ضعف های خود به سوی مصرف مواد روی می آورند.

از نظر اکویلینو (۲۰۰۱) و گالامبوس (۲۰۰۳) نوجوانانی که والدین خود را آزادمنش می دانند، سازگاری بهتری را تجربه می کنند. رضایی (۲۰۰۷) نشان داده است که بین سبک فرزندپروری مقتدر و بلوغ اجتماعی دانش آموزان در تمام پایه ها رابطه ی معنادار وجود دارد. از نظر هواسی (۲۰۰۷) روش فرزندپروری مستبد با خانواده های دارای نوجوان معتاد رابطه ی مثبت دارد. موریس (۲۰۰۲) و هاردی، یاور و جاریک (۲۰۰۹) نشان داده اند که بین خانواده های سهل گیر با اعتیاد فرزندان رابطه ی مثبت وجود دارد. سبک های فرزند پروری از طریق تاثیر بر عزت نفس، استقلال، خود کنترلی و راههای مقابله با تنیدگی کودکان و نوجوانان (کوپکو، ۲۰۰۷؛ وارگو، ۲۰۰۷) بر دیگر رفتارهای آنها اثر می گذارد. پژوهش ها نشان داده است که سبک های فرزند پروری، عملکرد تحصیلی و رفتارهای ناسازگار فرزندان (بنت، ۲۰۰۸؛ ترنر، چندلر و هفر، ۲۰۰۹) اعتیاد به مواد مخدر و الکل (ساجمن و لوتار، ۲۰۰۰) مهارت های اجتماعی (ترنر، چندلر و هفر، ۲۰۰۹) و سلامت روان (داوایری، ۲۰۰۴) آنها را تحت تاثیر قرار می دهد. با توجه به آنچه گفته شد، هدف این پژوهش، ارائه ی مدلی برای پیش بینی گرایش نوجوانان به اعتیاد براساس ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزند پروری بود.

روش

این پژوهش یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه ی آماری این تحقیق شامل دانش‌آموزان دختر و پسر نوجوان دوره ی دبیرستان شهر تهران بود. از این جامعه ۵۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و با پرسشنامه های نیو^۱ (۶۰ سوال)، سبکهای فرزندپروری بامریند (۳۰ سوال) و نگرش به اعتیاد (۳۲ سوال) مورد آزمون قرار گرفتند.

پرسشنامه ی شخصیتی NEO، ۶۰ سوالی است که برای ارزیابی ۵ شاخص اصلی: روان‌نژندی، برون-گرایی، باز بودن به تجربه، توافق و وجدانی بودن طراحی شده است. در هنجاریابی آزمون NEO که توسط گروهی فرشی (۲۰۰۲) روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی تبریز و شیراز صورت گرفت ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی را بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش شده است. گروهی، ضریب آلفای کرونباخ هر یک از عوامل اصلی روان‌آزردگی خوبی، برون‌گرایی، باز بودن، سازگاری و باوجدانی را به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ گزارش کرده است. او اعتبار محتوایی این آزمون را مورد تایید گزارش کرده است. پیتلیک (۲۰۰۶) ثبات درونی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۶۵، ۰/۴۸، ۰/۷۵، ۰/۷۰ ذکر کرده است. در بررسی روایی همزمان این آزمون با آزمون آیزنک مشاهده شد که ضریب همبستگی روان‌آزردگی-گرایی و برون‌گرایی در هر دو آزمون به ترتیب معادل ۰/۶۸ و ۰/۴۷ بود (پیتلیک، ۲۰۰۶).

پرسشنامه ی سبک‌های فرزندپروری بامریند در سال ۱۹۷۲ توسط بامریند طراحی و ۳۰ جمله دارد که ۱۰ جمله آن به شیوه ی سهل‌گیرانه، ۱۰ جمله به شیوه ی مستبدانه و ۱۰ جمله دیگر به شیوه ی مقتدرانه مربوط می‌شود. بوری در سال ۱۹۹۷ پایایی پرسشنامه ی مزبور را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به ترتیب ۰/۸۱ برای شیوه ی سهل‌گیری، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸ برای شیوه مقتدرانه و در بین پدران به ترتیب ۰/۷۷ برای شیوه ی سهل‌گیرانه، ۰/۸۵ برای شیوه ی استبدادی و ۰/۸۸ برای شیوه ی مقتدرانه گزارش نمود. اعتبار محتوای آزمون نیز توسط ۱۰ نفر از صاحب‌نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی مورد تایید قرار گرفته است (اسفندیاری، ۲۰۰۰). همچنین در پژوهش دیگری که توسط (جورج، ۲۰۰۴) انجام شد، ضریب پایایی این مقیاس ۰/۷۹ برآورد شده و ضرایب آلفای کرونباخ سبکهای مقتدر، مستبد و سهل‌گیر به ترتیب برابر با ۰/۹۰، ۰/۸۳، ۰/۶۱ و ضریب آلفای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۱ به دست آمد.

پرسشنامه ی نگرش به اعتیاد توسط نظری ساخته شده و ۳۲ سوال دارد که به صورت لیکرتی نمره-گذاری می‌شود. در این پرسشنامه، کسب نمره ی بالاتر نشانگر نگرش مساعد و مطلوب نسبت به اعتیاد و مصرف موادمخدر است. در بررسی روان‌سنجی، همبستگی بین نمرات دو نیمه ی پرسشنامه با استفاده از فرمول اسپیرمن - براون معادل ۰/۶۰ گزارش شده است. در برآورد اعتبار پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، همسانی تست معادل ۰/۶۵ گزارش شده است (عموپور، ۲۰۱۱). نظر به اینکه، رگرسیون لجستیک در مقایسه با رگرسیون خطی پیش فرضهای کمتری دارد، پیش فرضهای همگنی واریانس و نرمال بودن خطاها وجود ندارند، متغیرهای مستقل باید در مقیاس پاسخ های تراکمی یا جمع پذیر، فاصله ای یا نسبی و دومقوله ای اندازه گیری شده باشند (از شریفی و همکاران، ۲۰۱۳)، داده‌ها با روش رگرسیون لجستیک و با استفاده از هجدهمین ویرایش نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها

در جدول ۱، مولفه های توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی نمره‌های آزمودنی ها در متغیرهای پژوهش

متغیرها	مولفه‌ها	کل		پسران		دختران	
		sd	M	sd	M	sd	M
شخصیت	روان‌رنجورخویی	۱۰/۹۶	۲۳/۷۰	۱۱/۸۲	۲۴/۷۹	۹/۹۸	۲۴/۷۹
	برون‌گرایی	۱۲/۵۸	۳۱/۰۳	۱۲/۷۲	۲۶/۳۰	۱۱/۹۹	۲۶/۳۰
	بازبودن به تجربه	۱۳/۳۰	۲۶/۸۹	۱۳/۳۰	۲۷/۳۳	۱۳/۳۳	۲۷/۳۳
	توافق	۱۲/۵۶	۲۵/۸۷	۱۳/۱۹	۲۶/۳۱	۱۱/۹۰	۲۶/۳۱
	وجدانی بودن	۱۲/۰۴	۲۴/۳۶	۱۲/۹۹	۲۵/۱۲	۱۰/۹۶	۲۵/۱۲
	سبک‌های فرزندپروری	۵/۶۹	۲۳/۵۲	۶/۲۲	۲۵/۰۱	۴/۹۹	۲۵/۰۱
	مستبد	۴/۶۵	۲۰/۷۳	۴/۷۹	۲۰/۷۷	۴/۵۰	۲۰/۷۷
	مقتدر	۴/۳۰	۲۰/۵۲	۴/۲۷	۲۰/۷۵	۴/۳۵	۲۰/۷۵
نگرش به اعتیاد		۲۱/۳۸۳	۹۲/۱۹۱	۲۳/۰۶۴	۹۴/۷۲۲	۱۹/۴۳۹	۹۴/۷۲۲

جدول ۲. شاخص ها و ضرایب بتا به تفکیک کل آزمودنی ها،
آزمودنی های پسر و آزمودنی های دختر

Exp (B)	Sig.	df	آماره والد	B	متغیرهای پیش بین	
۱/۰۶۲	۰/۰۴۲	۱	۴/۱۵۲*	۰/۰۶۰	روان رنجورخویی	نمرات کل
۱/۰۰۶	۰/۰۵۷	۱	۳/۶۲۹	۰/۰۰۶	برون گرایی	
۰/۹۸۸	۰/۰۰۱	۱	۱۳/۱۳۴**	-۰/۰۱۳	باز بودن به تجربه	
۱/۰۰۲	۰/۴۷۰	۱	۰/۵۲۱	۰/۰۰۲	توافق	
۱/۱۶۸	۰/۰۰۱	۱	۱۷/۶۹۱**	۰/۱۵۵	وجدانی بودن	
۴/۱۷۹	۰/۰۰۱	۱	۳۸/۹۸۳**	۱/۴۳۰	سبک سهل گیر	
۱/۸۳۳	۰/۰۰۱	۱	۲۴/۳۰۴**	۰/۶۰۶	سبک مستبد	
۲/۲۱۷	۰/۰۰۱	۱	۳۷/۲۴۳**	۰/۷۹۶	سبک مقتدر	
۰/۹۱۷	۰/۱۰۱	۱	۲/۶۸۹	-۰/۰۸۷	روان رنجورخویی	نمرات پسران
۱/۳۰۳	۰/۰۲۰	۱	۵/۴۳۱*	۰/۲۶۴	برون گرایی	
۱/۰۰۵	۰/۷۲۹	۱	۰/۱۲۰	۰/۰۰۵	باز بودن به تجربه	
۱/۰۲۴	۰/۲۰۳	۱	۱/۶۲۰	۰/۰۲۴	توافق	
۱/۰۴۳	۰/۰۰۵	۱	۸/۰۲۵**	۰/۰۴۲	وجدانی بودن	
۲/۸۱۳	۰/۰۰۱	۱	۱۱/۹۸۳**	۱/۰۳۴	سبک سهل گیر	
۱/۹۷۲	۰/۰۰۶	۱	۲۴/۳۹۴**	۰/۶۷۹	سبک مستبد	
۰/۱۰۱	۰/۹۵۵	۱	۷/۶۴۳**	۰/۰۱۰	سبک مقتدر	
۱/۴۷۶	۰/۰۳۹	۱	۴/۲۵۴*	۰/۳۸۹	روان رنجورخویی	نمرات دختران
۰/۹۸۹	۰/۲۸۱	۱	۱/۱۶۱	-۰/۰۱۱	برون گرایی	
۰/۹۷۹	۰/۰۳۹	۱	۴/۲۶۲*	-۰/۰۲۲	باز بودن به تجربه	
۱/۰۱۰	۰/۲۱۴	۱	۱/۵۴۱	۰/۰۰۱	توافق	
۰/۷۸۰	۰/۱۲۲	۱	۲/۳۸۹	-۰/۲۴۹	وجدانی بودن	
۲۳۰/۵۱۶	۰/۰۱۷	۱	۵/۷۰۳**	۵/۴۴۰	سبک سهل گیر	
۵/۲۲۹	۰/۰۱۹	۱	۵/۵۱۶**	۱/۶۵۴	سبک مستبد	
۲۱/۵۲۷	۰/۰۱۹	۱	۵/۷۹۵**	۳/۰۶۹	سبک مقتدر	

** معنادار در سطح ۰/۰۱؛ * معنادار در سطح ۰/۰۵

با توجه به اینکه اندازه های کجی و کشیدگی در دامنه ی حداکثر ۱- تا ۱+ قرار دارند می توان گفت که توزیع نمره های کل شرکت کنندگان در متغیرهای اندازه گیری شده (به جز متغیرهای برون گرایی، باز بودن به تجربه و توافق که به مقیاس رتبه ای تبدیل شدند) به توزیع نرمال میل دارند و در

کل نمرات مدل به دست آمده بین ۶۸/۴ درصد و ۹۱/۲ درصد در پسران، بین ۶۹/۶ درصد و ۹۳/۸ درصد و در دختران، بین ۷۰/۹ درصد و ۹۴/۹ درصد از واریانس متغیر ملاک یعنی نگرش شرکت-کنندگان را پیش‌بینی می‌کند. جدول ۲، شاخص‌های مختلف به ویژه ضرایب بتا و آماره ی والد متغیرها را به تفکیک کل آزمودنی‌ها، آزمودنی‌های پسر و آزمودنی‌های دختر نشان می‌دهد.

بر اساس شاخص‌های مختلف به ویژه ضرایب B و آماره ی والد و سطح معناداری آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که بر اساس نمرات کل آزمودنی‌ها، مدل به دست آمده متغیرهای پیش‌بین ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی، باز بودن به تجربه، وجدانی بودن، سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر، مستبد و مقتدر با متغیر ملاک (نگرش به اعتیاد) رابطه ی معنادار دارند زیرا، سطح معناداری همه ی آن‌ها کوچکتر از ۰/۰۵ است. آماره طبق مدل به دست آمده، ضریب مثبت متغیرهای روان‌رنجورخویی، باز بودن به تجربه، سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر، مستبد و مقتدر بیانگر این است که با افزایش نمره ی افراد در این متغیرها، شانس مثبت شدن نگرش به مصرف مواد افزایش خواهد یافت. در خصوص ضریب منفی متغیر وجدانی بودن، یعنی افراد با نمره ی پایین در متغیر وجدانی بودن، شانس مثبت بودن نگرش به اعتیاد در آن‌ها افزایش می‌یابد.

در رابطه با نمرات پسرها، می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای پیش‌بین ویژگی شخصیتی برون‌گرایی، وجدانی بودن، سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر و مستبد با نگرش به اعتیاد رابطه ی معنادار دارد زیرا سطح معناداری همه ی آن‌ها کوچکتر از ۰/۰۵ است. طبق این مدل، ضریب مثبت ویژگی شخصیتی برون‌گرایی، وجدانی بودن، سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر و مستبد بیانگر این است که شانس مثبت شدن نگرش پسران به مصرف مواد افزایش خواهد یافت. در رابطه با نمرات دخترها می‌بینیم که ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجورخویی، باز بودن به تجربه و سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر، مستبد و مقتدر با نگرش به اعتیاد رابطه ی معنادار دارند زیرا، سطح معناداری همه ی آن‌ها کوچکتر از ۰/۰۵ است. بر اساس آماره ی B ضریب مثبت متغیرها بیانگر این است که با افزایش نمره ی دختران در متغیرهای ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی و سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر، مستبد و مقتدر، شانس مثبت شدن نگرش به مصرف مواد افزایش خواهد یافت. در عین حال، ضریب منفی دختران در متغیر باز بودن به تجربه، به این معنی است که با کاهش نمره ی آن‌ها در این متغیر شانس مثبت شدن نگرش به مصرف مواد افزایش خواهد یافت.

بحث و نتیجه گیری

طبق یافته‌های به دست آمده، بین ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجورخویی، بازبودن به تجربه، وجدانی بودن و سبک‌های فرزندپروری (سهل‌گیر، مستبد و مقتدر) با متغیر ملاک (نگرش به اعتیاد) دانش-آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در این پژوهش نشان داده شد که دختران در مولفه‌ی روان-رنجورخویی، رابطه‌ی معنادارتری را با نگرش به اعتیاد نشان دادند که می‌توان گفت، به احتمال افرادی که در روان‌رنجورخویی نمره‌ی بالاتری کسب می‌کنند، عقاید غیرمنطقی بیشتری دارند، کمتر قادر به کنترل تکانش‌های خود بوده و بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد هستند زیرا نمی‌توانند مانند افراد عادی جامعه با استرس‌ها و مشکلات زندگی کنار بیایند. این یافته با تحقیق امان‌اللهی و ابراهیمی (۲۰۱۱)، مبنی بر اینکه همبستگی بین عامل روان‌رنجورخویی و گرایش به اعتیاد مثبت و معنادار است، همسویی دارد. همچنین با تحقیق مان (۲۰۰۷) و فیشر و الماس (۱۹۹۸) مبنی بر اینکه نمرات معنادار در روان‌رنجورخویی و بازبودن به تجربه بیشتر از گروه بهنجار است، همسویی دارد. احتمالاً به این دلیل است افرادی که در بازبودن به تجربه، نمره‌ی بالایی کسب می‌کنند در جستجوی تازگی، تنوع و انجام تجربیات جدید هستند، بنابراین آنها دوست دارند که عقاید جدید و نظام ارزشی متفاوتی را تجربه کنند (به اصطلاح تخیلی هستند) و ریسک خطرپذیری بالایی دارند بنابراین احتمال دارد که به مصرف مواد نیز به عنوان یک تجربه‌ی متفاوت نگاه کنند.

در این پژوهش همچنین نشان داده شد که پسران نوجوان در مولفه‌های برون‌گرایی و وجدانی بودن رابطه‌ی معنادارتری را با نگرش به اعتیاد نشان دادند. می‌توان این گونه تبیین کرد کسانی که در عامل وجدانی بودن (مسئولیت‌پذیری) نمره‌ی کمی به دست می‌آورند، افرادی بی‌بندوبار، مسامحه‌کار لذت‌جو و بی‌هدف هستند که این خصوصیات ذکر شده در افرادی که سومصرف مواد دارند، زیاد دیده می‌شود. یافته‌ی دیگر تحقیق این است که بین سبک‌های فرزندپروری با مولفه‌ی شناختی نگرش به اعتیاد دانش‌آموزان (هم دختران و هم پسران) رابطه‌ی معنادار وجود دارد. این یافته با تحقیق املکام (۱۹۹۸) و زیارت بان (۲۰۱۱)، مبنی بر اینکه بین سبک‌های فرزندپروری و گرایش به اعتیاد رابطه‌ی معناداری وجود دارد، همسو است.

شیوه‌های تربیتی والدین و میزان نظارت آنها بر عملکرد فرزندان، اهرم بازدارنده‌ی خوبی برای جلوگیری از ابتلای نوجوانان به اعتیاد است و هرچه میزان نظارت و کنترل والدین (البته متعادل و منطقی) در خانواده بیشتر باشد، به همان نسبت میزان ابتلای فرزندان کمتر خواهد بود. یافته‌ی دیگر این تحقیق این است که در دانش‌آموزان پسر از بین سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های سهل‌گیر و

مستبد و در دختران هر سه مولفه ی سبک‌های فرزندپروری با مولفه ی عاطفی نگرش به اعتیاد رابطه ی معنادار دارد. می‌توان گفت که احتمالاً والدین هر قدر در سبک‌های فرزندپروری خود از اقتدار منطقی دور شوند و بیشتر از سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه استفاده کنند، چون طرفدار شیوه ی منطقی همراه با مشورت نیستند و هیچگونه نظارتی بر رفتار فرزندان خود ندارند، زمینه را برای گرایش آنها به اعتیاد فراهم می‌کنند. این تحقیق مطابق با یافته ی دیگر در این زمینه است (بیرامی، ۲۰۱۱؛ ایلنگورث، ۱۹۸۶؛ دیویس و کامینگ، ۱۹۹۴؛ فلاهرتی و مسترز، ۲۰۰۰). از طرفی دیگر داشتن نگرش مثبت‌تر پسران نسبت به دختران احتمالاً به دلایل زیر است:

حضور نوجوانان پسر در موقعیت‌های اجتماعی که در آنها بعضی مردان معتاد نیز وجود دارند، سبب می‌شود که آنها به تدریج اطلاعاتی در مورد مواد به دست آورند که این اطلاعات می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری نگرش مثبت آنها نسبت به مواد شود. همینطور، عدم برخورداری پسران از محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی، داشتن آزادی‌های بیشتر نسبت به دختران و خطرپذیری بیشتر پسران و دسترسی آسان به مواد است. یافته ی آخر اینکه در دختران بین ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجورخویی و توافق) با مولفه ی عاطفی و برون‌گرایی با مولفه ی رفتاری نگرش به اعتیاد رابطه ی معناداری وجود دارد. احتمالاً به این دلیل که افرادی که برون‌گراترند، فعال، پرحرف، اجتماعی، خوش‌بین و حادثه‌جو تر از افراد عادی هستند، پس می‌توانند مصرف مواد را به عنوان یک تجربه ی جدید در نظر بگیرند و این مساله گرایش و تمایل آنان به مصرف مواد را توجیه کند. تحقیق امان‌اللهی و ابراهیمی (۲۰۱۱) نشان داد که بین شخصیت برون‌گرا و گرایش به اعتیاد رابطه ی منفی وجود دارد. از طرفی دیگر توافق یا سازگاری با نمره ی بالا نشان‌دهنده ی این است که این افراد باگذشت، خوش‌باور و دارای حس همکاری بالایی هستند و این ویژگی در کنار روان‌رنجورخویی، یعنی اینکه این افراد دارای عقاید غیرمنطقی هستند و در برابر مشکلات زندگی کمتر مقاومت دارند، می‌تواند گرایش آنان را به اعتیاد توجیه کند.

References

- Amanollahi, A., Ebrahimi, N., & Darkhord, F. (2010). *Investigation relation family fuction & charecteristics factors with tendency to addiction in the first basic high school students*. Collections articles selected in the Khozestan state. (Persian)
- Amopour, E., & Co. (2008). The effects of drug abuse prevention at school. *Journal of drug abuse education*. (Persian)
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *journal of early Adolescence*. 11(1), 56-95.
- Bennett, J. (2007). Teaching and learning in a MVVE; a social constructivist and game based model for learning in a 3D virtual learning environment. *Paper presented in conference IMCT, Amman Jordan*.

- Beyrami, M., & Mohammadpour, V.(2010). *Investigation comparative parenting styles & family relation models in the addicted people and the normal people*. Collections articles selected in the East Azarbaijan state. (Persian).
- Bourie, G. J. (1997). A meta analysis of adolescent smking prevention programs. *American Journal of Public Health*, 83, 872-880.
- Davis, A., & Cumming, M. (1994). *Marital Conflict and Child Adjustment: An Emotional Security Hypothesis*. *psychology Bulletin*. 116, 387-411.
- Dwairy, M. (2004). Parenting styles and mental health of Palestinian-Arab adolescents in Israel. *Tran cultural Psychiatry*, SAGE. [http:// www. sagepublications.com](http://www.sagepublications.com)
- Ecoelino, M. E., & Galambus, P. (2003). Family therapy treatment outcomes for addiction, *Journal of Marital and Family Therapy*, 21, 527-578.
- Elenqorth, Z. (1986). validity of the five factor model of personality. *Journal of personality and social psychology*, vol. 52, pp. 90-99.
- Emmelkamp, P. M., & Heeres, H. (1998). Drug addiction and parental rearing style: a controlled study. *Int journal Addict*. feb, 23(2): 16-20.
- Esfandyari, G. (2005). *The comparison parenting styles the mothers of childs with behaviours disorder & the mothers of childs with behaviour normal and effectiveness education the mothers on the childs behavior disorders*. M.A. thesis. Tehran psychiatry institute. (Persian)
- Fishbin, R., & Elmas, F. (1998). College Student Drug Prevention: A review of individually-oriented prevention strategies. *Journal of drug issue*, 35, 431-456.
- Flaherty, E. M., & Masters, G. L. (2000). *Positive Adjustment in parent Rearing Children with Down Syndrome*. *Early Education & Development*, 11, 4, 407-422
- George, L. K. (2004). *Testing the interaction between parent-Child relationship factors and parent smoking to predict youth smoking*. *Journal of Adolescent Health*, 35(3), 182-189.
- Gharrosi Farshi, M. T. (2001). *New approach in personality evaluation. (usage factorial analysis in personality studies)*. Tabriz: denial, publications. (Persian)
- Graham, M., & Maggoien, F. (1997). *A Theory-Based Dual-Focus Alcohol Intervention for Pre adolescents: The Strong African American Families Program*. *J Psychology of Addictive Behaviors*. 20(2): 185-195.
- Hardi Yavar, B., & Jarick, M. (2009). *The effects of drug abuse prevention at school: the Healthy School and Drugs project*. *Addiction J*; 97(1): 67-73.
- Havvasi, N. (2007). *Primary prevention of the addiction based on the family*. Alzahra thesis. M.A. social welfare. (relation between parenting styles to the tendency addiction of drugs between students payam nor and birjand elmi karbourdi. (Persian)
- Hawkins, J. D. (2008). *Risk and protective factors for alcohol and other drug problems in adolescence and early adulthood*. implications for substance abuse prevention *Journal*, 112, 64- 105
- Hosseini, A. (2009). *New research in addiction and abuse drugs*. Tehran: publications amirkabir. (Persian)
- Johnson, M. E., Neal, D., & Freemon, M. (2004). Childhood abuse, history and substance use among men and women receiving detoxification services. *The American journal of drug and alcohol abuse*, 4, 799-821
- Johnston, L. O., Malley, P. M., & Bachman, J. G. (2008). *Monitoring the Future National Survey Results on Drug use, 1975-2002. volume 1: secondary school students*. Bethesda, MD: National Institute on Drug Abuse
- Jonge, P. D., & White, J. (2007). Association of type-D personality and Depression with somatic health in myocar Dinal infarction patients. *Journal Psychoson Res*, 63(5), 477-89.
- Khalatbari, B., & Sedaghati, N. (2009). Survey the mental healths in opioid dependence. *Journal of the elements of mental healths*, 6(23): 131-139. (Persian)
- Leaders. No, 04-2212A, second edition.
- Mac Cronic, L., & Quireck, D. C. (1998). Families and school together: An innovative substance abuse prevention program. *social work in Education*, (3)2: 227-234
- Mac, M. L., & Pandenia, J. M. (2009). Resilience as a theoretical basis for substance abuse prevention, *Journal of primary prevention*, vol 23.
- Mayers, L. S., & Gamest, G. (2006). *Applied Multivariate research: design and interpretation*, editors: sharifi, HP & co. Tehran. roshd, 2013.
- Mehrabizadeh, H., & Birami, A. (2011). Preventing drug use among children and adolescents. A research based guide for parents, educators, community. (Persian)
- Moris, D. G. (2002). *Social psychology Journal*, Boston, MC Graw-Hill, (34): 50-54.
- New comb, M. D. (2005). *Identifying High-Risk Youth: prevalence and patterns of Adolescent Drug abuse*. National Institute on drug abuse

- Osvadi, M.D., & Richardson, M.A. (1999). Substance use disorders *In: Hersen, M., Ammerican, R.D, editors. Advanced abnormal child psychology*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Petilik, A.(2004). *Pilot Study of Smoking,Alcohol and Drug Abuse Prevention*.Am J Public Health,70(7):719-721
- Sarafino, E. P.(2002). *Health psychology*. 4th(Ed) . phila delphia: Wileyan Dsons: 42-48.
- Suchman, N. E., & Luthar, S. S. (2000). Maternal addiction, child maladjustment and socio-demographic risks: Implications for parenting behaviors. *Addiction*, 95 (9), 1417-1428.
- Turner, E. A., Chandler, M., & Heffer, R. W. (2009). The influence of parenting styles, achievement, otivation and self- efficacy on academic performance in college students. *Journal of College Student Development*, 50 (3), 337-346.
- Ziaratban, R., & Hashemi, M.(2010). Investigation relation between strengthening family basic & parenting styles in the addiction primary prevention. Collections articles selected in the Mazandaran state. (Persian)

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 9 (No. 33), pp. 47-56, 2014

The Prediction of adolescence orientation to addiction, based on personality characteristics and parenting styles in order to present a model for prevention

Ganji, Hamzeh

Islamic Azad University of Roudehen, Roudehen. Iran

Rahnemay Namin

Islamic Azad University of Roudehen, Roudehen. Iran

Maryam

Islamic Azad University of Roudehen, Roudehen. Iran

Pasha Sharifi, Hassan

Islamic Azad University of Roudehen, Roudehen. Iran

Received: Sep 27, 2013

Accepted: March 08, 2013

Adolescence, is a critical period which is always associated with the process of identity formation. Part of this growth process is seeking danger which is shown in the shape of unhealthy sexual behavior, alcohol, tobacco and other items. Personality characteristics and parenting styles in the critical period of adolescence can provide a context for an orientation to addiction. The purpose of this study was to present a model to predict the adolescent's orientation to addiction based on personality characteristics and parenting style. For this purpose, in a descriptive study, 500 boys and girls high school students were randomly selected from Qazvin city. They were tested in terms of orientation towards addiction, five major factors of personality and parenting style. Results of regression analysis indicated that there is a significant difference among the mental-neuroticism, openness to experience, having conscientiousness and parenting styles (Permissive, autocratic, authoritative) with the attitude of students in relation to addiction. Considering the obtained model, with increased scores in these variables, the odds of a positive attitude to substance use will increase. It seems that personality traits and parenting styles have a significant difference with attitudes towards addiction in male and female students. They can be effective in preventing orientation towards addiction.

Keywords: personality traits, parenting styles, attitudes toward addiction.

Electronic mail may be sent to: maryamrahnamay@ymail.com